

گروه ادب و هنر | کمی بعد از مرگ مرتضی پاشایی خواننده پاپ ایرانی حرف‌های صریح و بی‌تعارف پوسفعلی ابادری، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در نشست «پدیدارشناسی فرهنگی یک مرگ» درباره ازدحام مردم در مراسم تشییع جنازه این خواننده موجهی از واکنش‌های مثبت و منفی را در جامعه و شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. قرار است در مستندی ترکیبی به اسم «چوکی» بار دیگر حرف‌های ابادری درباره مرتضی پاشایی به بحث و نقد گذاشته شود. این برنامه به گفته تهیه‌کننده‌اش قصد دارد در قالبی جدید و با اجرای میلاد دخانچی و حضور چهره‌هایی که نقش تأثیر گذاری در گفتمان فرهنگی ۳۵ سال گذشته ایران داشته‌اند، شنیده تا دوشنبه هر هفته ساعت ۲۱ روی آنتن سیما برود.

کافه سینما

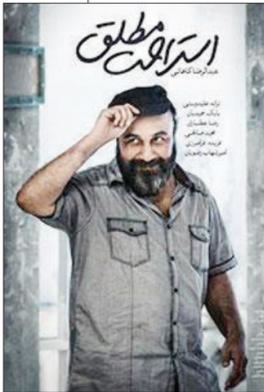
یادداشتی درباره فیلم «استراحت مطلق» به بهانه ورود به شبکه ویدئوی خانگی

طنز تلخ اجتماعی

**امیرعلی نصیری** | مدرس دانشگاه | آشنایی من با کاهانی برمی‌گردد به بیست و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در سال ۱۳۸۵ و تماشای نخستین اثر بلندش «آدم». محیطی سوررئال و ورود فرشته زیباروی مرگ برای ملاقات آدم؛ فیلمی که در گونه ابدایی ماورایی می‌گنجد. مدتی بعد دومین ساخته‌اش یعنی «آنجا» را در خانه سینما دیدم؛ یک اثر ویدئویی، سیاه و سفید و تجربی. سپس هر سال منتظر کار بعدی او بودم.

ذکر این مقدمه از این لحاظ اهمیت دارد که برای درک بهتر «استراحت مطلق» توجه به پیشینه فیلمساز ضروری است؛ هر تماشای پیگیر کارهای کاهانی می‌داند که او یک فیلمساز مستقل اجتماعی است، با هدف نمایش مضامین با زبان طنز تلخ. «استراحت مطلق» نیز از این قاعده مستثنی نیست. فیلم داستان ورود یک زن شهرستانی (سمیرا با نقش آفرینی ترانه علیدوستی) و دخترش به تهران، پس از جدایی از همسرش (حامد با نقش آفرینی بابک حمیدیان) نمایش مشکلاتی است که برای او به وجود می‌آید.

بازگری در آثار کاهانی واقع‌گرایانه (رنالیستیک) است و سطح قابل قبولی دارد. در «استراحت مطلق» نیز مجید صالحی (در نقش کارگر جنوب‌شهری)، بابک حمیدیان (در نقش یک ننه‌شل به قمار) و افسری (در نقش همسری شاد که به تدریج عصبی و افسرده می‌شود) بازی می‌کنند. به لحاظ فنی و تکنیکی، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در کارگردانی کاهانی مشاهده نمی‌شود.



گاهی حرکت‌هایی در دوربین دیده می‌شود که کارکرد روایی ندارد؛ مثلاً در صحنه‌ای که حامد (بابک حمیدیان) با موتور وارد کارخانه می‌شود، دوربین با او تراولینگ می‌کند و در نقطه‌ای می‌ایستد و با حرکت افقی گرد (پن) او را دنبال می‌کند. دلیل این توقف حرکت چیست؟ صرفاً به خاطر عدم امکان پیشروی بیشتر دوربین.

در پایان این سوال برای هر بیننده‌ای به وجود می‌آید که وجه تسمیه فیلم چیست؟ استراحت مطلق سمیرا پس از تصادف، بیکاری و علاف بودن حامد، یا دم‌لدم مدیر کارخانه در بالکن و پیام‌بازی یا... ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که فرصت آن را پیدا کردم که در نشست پرسش و پاسخ «استراحت مطلق» در یکی از دانشگاه‌های محل تدریس حضور پیدا کنم. کاهانی تلاش می‌کرد نشانه‌های نهفته در فیلمش را برای دانشجویان باز کند. نمی‌دانم این کار به دلیل بوق‌های ممتد و صحنه‌های تار یا حذف شده بود یا دلیل دیگری داشت؟!

تجسم

اتفاقی تازه در موزه هنرهای معاصر تهران نمایش مهم‌ترین آثار گنجینه



آثاری از جلال‌الدین مینو

گروه ادب و هنر | موزه معاصر تهران از ۲۴ مهر، اقدام به برگزاری نمایشگاهی با عنوان «ذهنیت ملموس» می‌کند که در این نمایشگاه بخشی از مهم‌ترین آثار گنجینه خود را در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌دهد. در این نمایشگاه ۲۷ اثر نقاشی از ۲۳ هنرمند از چهار جریان هنری؛ اکسپرسیونیسم انتزاعی، تاشیسم، انتزاع پساقفاشناسانه و انتزاع تغزلی به نمایش درمی‌آید تا یک بار دیگر پس از مدت‌ها مجال تماشای آثاری از واسیلی کاندینسکی، جکسون پولاک، ویلم دکونینگ، رابرت مادرول، مارک روتکو، آدولف گاتلیب، فرانز کلاین، مارک توبی، منوچهر یکتایی، آنتونی تاپیس، ژان فورتیه، پیر سلواژ، آنتونیو سائورا، ژان پل ریویلی، ویلیام ترن بول، فریتز وینتر، هانس هار تونگ، فرانک استلا، موریس لویس، هلن فرانکن تالر، سسم فرانسیس، جان هولند و پل جنکینز به وجود آید. برخی از این آثار در سال‌های بعد از انقلاب به نمایش در نیامده‌اند که همین مسئله نمایشگاه «ذهنیت ملموس» را از اهمیت بالایی برخوردار می‌کند.

مراسم افتتاحیه این نمایشگاه ساعت ۱۸ بیست و چهارم مهر است. در موزه هنرهای معاصر تهران آثاری از هنر مدرن پس از جنگ جهانی دوم نگهداری می‌شود که در دهه ۵۰ خردیاری شده است و از این میان گفتم می‌شود چیزی حدود ۴۰۰ اثر با ارزش استثنایی قرار دارد که ارزش آثار این موزه را بیش از سه میلیارد دلار بالا می‌برد.

در میان ۲۷ اثری که از ۲۴ مهر در نمایشگاه «ذهنیت ملموس» به نمایش درمی‌آید، برخی آثار گرانتدر گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در معرض نمایش قرار می‌گیرد. به هنردوستان پیشنهاد می‌شود این فرصت استثنایی را از دست ندهند.

سینماگران از پورصمیمی، ورهرام، درویش و داودنژاد تجلیل کردند

غیبت وزیر، گلایه درویش



سعید پورصمیمی، فرهاد ورهرام، احمدرضا درویش و علیرضا داودنژاد چهار چهره‌ای بودند که از آنها تجلیل شد. کارگردان فیلم به یاد ماندنی «بوسیدن روی ماه» در مورد بزرگداشت چهار سینماگر گفت: «به سنت هر ساله در جشن خانه سینمای ایران، سه مراسم بزرگداشت و یک جایزه ویژه به نام سیف‌الله داد داریم و قرار است در هفدهمین جشن خانه سینمای ایران، سعید پورصمیمی بازیگر و احمدرضا درویش فیلمساز تجلیل کنیم. همچنین احمدرضا درویش فیلمساز جایزه ویژه سیف‌الله داد هم تجلیل شد. همواره با احتیاط با او برخورد کرده‌ام و این احتیاط من نیز ناشی از شهامت و جسارتی است که احمدرضا درویش در ساخت فیلم‌های خود داشته است. ساخت فیلم‌هایی چون



مهرداد ابدی دوست m1.abadiidost@fdn.ir

علی جنتی غایب مهم مراسم تجلیل از چهار چهره پیشگسوت و تأثیرگذار سینمای ایران در هفدهمین جشن خانه سینما بود. در این مراسم که شنبه ۱۷ شهریور در تالار ایوان شمس برگزار شد، علی ربیعی وزیر تعاون، کار و امور اجتماعی در حالی حضور داشت که حجت‌الله ایوبی؛ رئیس سازمان سینمایی تنها نماینده وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. از همین بابت بود که همایون اسعدیان، دبیر هفدهمین جشن خانه سینما لب به گلایه گشود و گفت: «بعید می‌دانم دعوت‌نامه هفدهمین جشن خانه سینمای ایران به علی جنتی نرسیده باشد زیرا ما قطعاً تصمیم داریم. حال من به عنوان دبیر هفدهمین جشن خانه سینمای ایران از حضور نیاختن وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این رویداد خجالت می‌کنم.»

حجت‌الله ایوبی: بعید می‌دانم دعوت‌نامه هفدهمین جشن خانه سینمای ایران به علی جنتی نرسیده باشد زیرا ما قطعاً قصد داریم...



سازي که سرخوش بود و غمگين



محسن بولحسانی bolhasani1981@fdn.ir

دهه ۷۰ بود که حوزه هنری براساس سیاست‌هایی که اصلی‌ترینش توجه به موسیقی سنتی بود، چند نفر از چهره‌های مهم موسیقی آذربایجان را به ایران دعوت کرد که مهم‌ترین آنها «هابیل علی‌اف» و «عارف بابایف» آوازخوان معروف بودند. سفر علی‌اف در دهه ۷۰ اولین سفرش به ایران نبود و تقریباً ۵۰ سال قبل و در ابتدای شهرتش در جوانی نیز به ایران سفر کرده بود. حضور دوباره او در ایران آغاز باب تازه‌ای بود برای آشنایی بیشتر نوازندگان، موسیقیدانان و مخاطبان عاشق موسیقی ایرانی با صدای کمانچه نوازنده‌ای چیره‌دست که تا سال‌های بازنشکستی‌اش نیز ادامه پیدا کرد.

اجراهای علی‌اف با علی اصغر بهاری در تالار اندیشه سرآغاز همکاری او با نوازندگان سرشناس ایرانی هم بود. آنچنان که در یکی از این نمونه اجراها زمانی که علی‌اف با همراهی تمبک همایون شجریان کمانچه می‌نواخت، با تشویق تماشاچیان، استاد آواز ایران محمدرضا شجریان هم با به صحنه گذاشت و روی غزل «حسب حالی نوشتم و شد ایامی چند» حافظ، آوازی در ماهر خواند و در نهایت اجرایش را با تصنیف «مرغ سحر» و صدای جادویی سناز علی‌اف پایان داد و تماشاچیان برای اول بار صدای مسحورکننده سناز علی‌اف را در کنار آواز شجریان شنیدند و سرمست شدند. علی‌اف البته کمی بعد با آواز نصرالله ناصح‌پور و تمبک پیمان ناصح‌پور در تالار وحدت هم برنامه اجرا کرد و در آلبومی به نام «سر مستان» با جلال ذوالفنون، نوازنده چیره‌دست سه‌تار و علیرضا افتخاری همکاری داشت.

علی‌اف علاقه خاصی به ایران داشت و با اینکه در کشورهای بسیاری به اجرای برنامه پرداخته بود، اما باز ایران را از تمامی کشورهای که سفر کرده بود بیشتر دوست داشت. اشتیاق ایرانی‌ها و ذوق شنیدن موسیقی سنتی و علی‌الخصوص صدای ساز و آواز باعث وجد و علاقه او به اجرای برنامه در ایران شد. خودش می‌گفت: «ایرانی‌ها هنگام شنیدن موسیقی آنچنان شغف نشان می‌دهند که گریه‌ام می‌گیرد.» حالا هابیل علی‌اف استاد کمانچه‌نواز آذربایجانی که برای ایرانی‌ها بسیار نام آشنایی است بعد از چند روز بستری شدن در بیمارستان و رفتن به حالت اغما، دار فانی را وداع گفته است و مرد شوخ طبع، بذله‌گو و صدای سازش برای همیشه خاموش شده‌اند. هابیل علی‌اف با اسم کامل هابیل مصطفی اوغلو علی‌اف سال ۱۹۲۷ به دنیا آمد و در همان نوجوانی به فراگیری ساز و آموزش موسیقی پرداخت.

نکته جالب از زندگی کودکانه او با ساز این است که او اول قرار بود ساز سه‌تار را بیاموزد؛ اما به دلیل اینکه جسه‌ای کوچک داشت نمی‌توانست سه‌تار را به درستی در دست بگیرد، در نتیجه به فراگیری کمانچه مشغول و چند دهه بعد به یکی از قله‌های کمانچه‌نوازی شرق تبدیل شد. شاید اگر کمانچه‌نوازی علی‌اف، علی اصغر بهاری و تلاش‌های استادانی مثل خالقی نبود، ویولن فرنگی کمانچه ایرانی را در دوره‌ای که همه چیز، حتی موسیقی، رو به غربی شدن می‌رفت به فراموشی سپرده بود و صدایش را برای همیشه خاموش می‌کرد. مرگ هابیل علی‌اف در ۸۸ سالگی، خاموشی صدای سازی بود که راوی رنج‌های شرقی بود و لذت‌های سرخوشانه‌شان در صدایی که هم می‌خندید هم گریه می‌کرد.

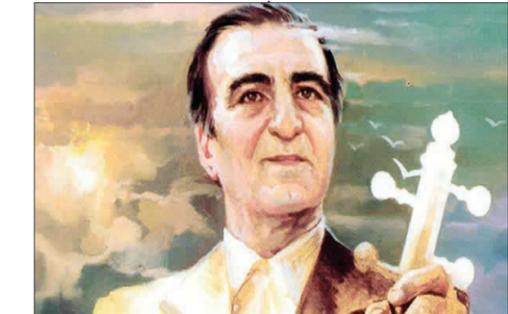
هابیل علی‌اف، از آن سوی ارس تا این سو



موشنگ سامانی نویسنده و پژوهشگر

جدایی بخش‌های بزرگی از خاک ایران در دو قرارداد گلستان و ترکمانچای، چنین می‌نمود که آن سوی ارس، برای همیشه و از هر جهت، تافته جداافتاده‌ای از ایران خواهد بود. به‌ویژه پس از شکل‌گیری اتحاد شوروی در سال ۱۹۱۷ و برپایی نظام کمونیستی، سنگگیری‌های بیشتری پدید آمد چنانکه آمد و شده‌های فامیلی دوسوی مرز نیز گرفتار ملاحظات سیاسی شد. از سوی دیگر، سامانه ایدئولوژیک اتحاد شوروی، تلاش می‌کرد همه فرهنگ‌های بومی جمهوری‌های زیر پوشش را به سوی یک نظام فرهنگی یکپارچه سوق دهد. شورویسم روسی یا در واقع روسی‌گرایی، طبیعتاً بر همه فرهنگ‌های دیگر اولویت داشت. در نتیجه گونه‌ای از موسیقی مورد حمایت کرم‌لین بود که معرف شوروی نوین با طعم و رنگ روسی باشد.

کمونیست‌ها، گرچه با خرده‌فرهنگ‌های بومی کشور پهناور خویش مبارزه نمی‌کردند، سمت و سوی سیاست‌های فرهنگی‌شان نیز در جهت تقویت فرهنگ‌های بومی نبود. این میان، سازوکار میان هنرمندان بومی و جامعه پیرامون‌شان، به‌گونه‌ای بود که بدون حمایت نظام حکومتی نیز می‌توانست به حیات خویش ادامه دهد و این شانس برای موسیقی موامی جمهوری آذربایجان به مرکزیت باکو نیز به خوبی فراهم بود تا هنرمندانی همچون هابیل علی‌اف بتوانند طعم و رنگ موسیقی هنری آذربایجانی را در مجالس بزم ادامه دهند. خوبی قضیه این بود که نظام حکومتی کاری به این بخش نداشت. در نتیجه مخاطبان این نوع موسیقی، نظر به علاقه‌ای که داشتند، عملاً پشتیبان‌کننده فرهنگ خویش بودند و یک نوازنده موسیقی بومی، با آسایش خاطر از دغدغه‌های زندگی، در عرس‌های آنان هنر نمایی می‌کرد و در واقع سنت فرهنگی جامعه خویش را این‌گونه پیش می‌برد. هابیل علی‌اف اگر چه در سامانه موسیقی نوین شوروی نیز حضور مقتدرانه داشت و با بزرگان چون سلطان حاجی بیگ‌اف، در ارکسترهای بزرگ همکاری می‌کرد ولی هابیل از آن رو برای ما هابیل شد که توانست لحن و کمانچه آذری را در کوران تغییرات گسترده به سوی یکسان‌سازی فرهنگی - مورد نظر کرم‌لین - تا به امروز حفظ کند. با وجود بسته بودن مرزهای ایران و شوروی و آمد و شده‌های بسیار کنترل‌شده، صدای ساز وی در نیمه جنوبی ارس نیز شنیده می‌شد و کیست که انکار کند، کمانچه‌نوازی آذربایجانی‌های کشورمان، برگرفته از شیوه این استاد بی‌بدلی است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، هابیل علی‌اف گویا برای دومین بار به ایران آمد و کنسرت ماندگارش با محمدرضا شجریان رخ داد. مهم‌ترین اتفاق نیکو در آن کنسرت این بود که همه تلاش‌های سیاستمداران کمونیستی مبنی بر جدایی این جمهوری‌ها از بدنه فرهنگی ایران، رنگ باخت و دو هنرمند از دو اقلیم سیاسی مختلف چنان با هم نواختند و خواندند که گویی هابیل شهروند ایران بود یا شجریان متعلق به جمهوری‌های استقلال‌یافته و این نشان داد سنت فرهنگی ایران قدیم، علی‌رغم نامالیامات روزگار، در دل هنرمندان دوسوی مرز به حیات خویش ادامه داده است. گوشه «شکسته» ماهور، برای شجریان همانقدر آشنا بود که برای هابیل علی‌اف که اگر غیر از این می‌بود، امکان نداشت دو هنرمند از دو جغرافیای دور و بدون هماهنگی کنار هم بنشینند و چنان جفت و جور هنرنمایی کنند که انگار سال‌هاست رفیق گویا به گلستان بوده‌اند.



موسیقی

دفاع دیر هنگام خانه موسیقی از شجریان



گروه ادب و هنر | همزمان با اعلام کسالت استاد آواز ایران و بستری شدنش در بیمارستان کسری، در حالی که حتی صدا و سیما نیز از مواضع خود عقب‌نشینی و با پخش تصاویری از محمدرضا شجریان او را استاد آواز ایران خطاب کرد، روزنامه کیهان به مواضع خصمانه خود علیه شجریان ادامه و بستری شدنش شجریان را با ادبیاتی ناپسند پوشش داد. حالا پس از ۱۰ روز از این ماجرا، خانه موسیقی تازه به فکر واکنش به این خیر افتاده است و اهانت به محمدرضا خوانده است. هیات‌مدیره خانه موسیقی در پیام خود با اشاره به نقش و خدمات بزرگ هنرمندان، با اشاره به اتهام‌های روزنامه کیهان گفته است: «بستن اتهامات واهی که در هیچ دادگاهی در قوه قضایی جمهوری اسلامی به اثبات نرسیده، کاری دور از شان رسانه و فرهنگ والای ایرانی و اسلامی بوده و هست.»

سینما

شیر طلای افتخاری ونیز در دستان کارگردان «ساعت‌ساز»



گروه ادب و هنر | برترنارد تاورنیه؛ کارگردان کهنه‌کار فرانسوی در مراسمی در جشنواره فیلم «ونیز» جایزه دستاورد سینمایی (شیر افتخاری) این رویداد سینمایی را دریافت کرد. آلبرت وباربارا، رئیس جشنواره فیلم «ونیز» در مراسم نمایش فیلم «زندگی و دیگر هیچ» از شاهکارهای «تاورنیه»، جایزه شیر طلایی افتخاری قدیمی‌ترین رویداد سینمایی جهان را به این کارگردان فرانسوی تقدیم کرد. امسال جشنواره «ونیز» علاوه بر اعطای جایزه شیر طلای افتخاری خود به این کارگردان ۷۳ ساله فرانسوی به نمایش چند فیلم با حضور این کارگردان کهنه‌کار به‌عنوان میهمان بخش کلاسیک و نیز خواهد پرداخت. تاورنیه نخستین فیلم خود را با عنوان «ساعت‌ساز» در سال ۱۹۷۴ براساس رمان ژرژ سیمون ساخت و توانست جایزه بزرگ هیات داوران جشنواره برلین (خرس نقره‌ای) را از آن خود کند و در ادامه فعالیت سینمایی خود در سال ۱۹۸۴ برای فیلم «یکشنبه در بیرون شهر» جایزه بهترین کارگردان جشنواره معتبر فیلم کن را تصاحب کرد.

کتاب

عبادت حداد عادل از مولف غلط نویسیم



گروه ادب و هنر | ابوالحسن نجفی، چهره مهم و تأثیرگذار زبان و ادبیات فارسی و ترجمه مدتی است که به علت کسالت در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری است. این اتفاق وقتی رسانه‌ای شد که غلام‌علی حداد‌عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به عبادت این عضو پیوسته و مدیر گروه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی رفت. ابوالحسن نجفی که کتاب‌های متعددی را در کارنامه خود دارد معروف‌ترین کتابش «غلط نویسیم» (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی) است.